

## جهان در آستانه ی ظهور

بحران‌ها، جنگ‌ها و شورش‌های عصر ظهور چه مناطقی از جهان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ ...



جهان در زمان ظهور چه وضعیتی دارد؟

بحران‌ها، جنگ‌ها و شورش‌های عصر ظهور چه مناطقی از جهان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

در مدت زمان قبل از ظهور چه سرزمین‌هایی دستخوش آشوب و بحران خواهند بود؟

آیا ما می‌توانیم کشتارهای کنونی شیعیان را در نهایت زمینه‌ساز شورش سفیانی بدانیم؟

اشاره:

در بعد از ظهر يك روز كاري، به دفتر «مؤسسه مصطفی العالمیه» در شهر مقدس قم رفتیم و با روی گشاده استاد و محقق لبنانی‌الاصل جناب حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ علی کورانی مواجه شدیم. بیشتر خوانندگان موعود با این چهره شناخته شده مطالعات مهدوی آشنا هستند. مجموعه گرانسنگ «معجم احادیث الامام المهدي (ع)» (در 8 جلد)، کتاب عصر ظهور (که به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و... ترجمه و منتشر شده است)، معجم موضوعی روایات امام مهدی (ع) و مقالات متعدد در حوزه مهدویت، از آثار قلمی ایشان است. خودشان دلیل عزیمت به ایران را این می‌دانند که انقلاب اسلامی ایران، تنها حرکت زمینه‌ساز مشرق‌زمین برای ظهور امام مهدی (ع) است. گفت‌وگو به زبان عربی انجام شد و موضوع آن نیز به تناسب ویژه‌نامه این شماره، به سرزمین شام و کشور سوریه اختصاص پیدا کرد. امیدواریم بتوانیم در آینده، ادامه این گفت‌وگو را درباره دیگر سرزمین‌های اسلامی درگیر در واقعه ظهور، تقدیم خوانندگان گرامی کنیم. إن شاء الله

از استاد و محقق گرامی آقای کورانی سپاسگزاریم که به رغم مشغله فراوان در ایران و لبنان، ما را به حضور پذیرفتند. لطفاً برای آغاز گفت‌وگو، بفرمایید جهان مقارن ظهور چه وضعیتی دارد؟

اگر به آن دسته از روایات رسول خدا و اهل بیت طاهرینش (ع) درباره وقایع و حوادث مقارن ظهور امام زمان (ع) بنگریم و بر آن اساس، وضعیت عالم را قبل و مقارن ظهور توصیف کنیم، درمی‌یابیم که در آن مقطع زمانی، فساد و ظلم و جور در همه جای عالم مشاهده می‌شود هر چند که از گذشته‌ها نیز ظلم و ستم در عالم وجود داشته است؛ خداوند متعال نیز می‌فرماید: «ظهر الفساد في البرِّ و البحر بما كسبت أيدي الناس»<sup>1</sup> الآن می‌بینیم که فساد همه‌جا را - خشکی، دریا و فضا - فرا گرفته است. این از يك جهت و از جهت دیگر، روایات بیان می‌کنند که امام مهدی (ع) ظهور نمی‌فرماید تا آنکه نام آن حضرت (ع) ذکر لب مردم و انسان‌ها می‌شود. معنای این سخن آن است که مردم، محبان و ثابتان بر امامت او ظهور آن حضرت را از خدا طلب می‌کنند و در انتظار ظهور ایشان لحظه‌شماری می‌کنند و دوستدار، مؤید و یاری‌کننده ایشان هستند. از جهت دیگر در مجموعه‌ای از روایات بیان شده که درون امت اسلامی جریان پابرجا و محکمی، منتظر ظهور ایشان هستند و برای ظهورشان زمینه‌سازی می‌کنند. بنابراین خیر ظهور ایشان در سراسر عالم پخش می‌شود.

در روایات ما، سه ویژگی برای عصر ظهور امام زمان (ع) برشمرده شده است: 1. ظلم و ستم فراگیر و فتنه‌ای که به هر خانه‌ای وارد می‌شود، 2. وجود دشمنانی که در حال تلاش مستمر هستند؛ مانند نواصب و دیگرانی که در عراق و دیگر مناطق سرزمین‌های اسلامی مشغول فعالیت علیه شیعه هستند و سپس سوریه را تصرف می‌کنند و حکومت آنجا را می‌گیرند، 3. جریان یاران و مولیان امام (ع) که در سرزمین‌های اسلامی در حال تلاش هستند و یاد و نام امام مهدی (ع) را در عالم پراکنده می‌سازند.

بحران‌ها، جنگ‌ها و شورش‌های عصر ظهور چه مناطقی از جهان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

قیام امام زمان (ع) در مرحله اول، هشت ماه به طول می‌انجامد که در این مدت امام مشغول جهاد با دشمنان و دفع خطر آنان است. قبل از این مرحله، آن حضرت دو ماه در مکه حضور دارند. می‌توانیم بگوییم؛ که در همان سال نخست ظهور، همه

سرزمین‌های عربی و اسلامی در اختیار امام(ع) قرار می‌گیرند، به این ترتیب که آغاز ظهور از مکه است، یمن به همراهی آن حضرت(ع) می‌آید و سپاه یمانی، مکه را برای امام به تصرف درمی‌آورد و در شبه جزیره عربستان حکومتی باقی نمی‌ماند و تنها درگیری‌های قبیله‌ای جریان دارد. (قبل از ظهور، نظام سیاسی آن فروپاشیده و هیچ فردی نتوانسته است وفاق جمعی را به دست آورد.) به همین دلیل، اهل حجاز، از ارتش سوریه برای ایجاد امنیت در شهر مکه، درخواست و دعوت می‌کنند، اما امام مهدی(ع) حاکم یمن را که از اصحاب و یاران ایشان است، برای این امر منصوب می‌کنند. سپاه یمانی مکه را در اختیار می‌گیرند و در آنجا باقی می‌مانند و زمان این باقی ماندن به طول می‌انجامد.

اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم، امام مهدی(ع) در روز عاشورا قیام نموده، حدود مدت 2 ماه (یعنی محرم و صفر) در مکه اقامت می‌کنند و سپس وارد شهر مدینه می‌شوند. در آن شهر اماکن منسوب به امیرالمؤمنین و حضرت زهرا(س) را تکریم می‌کنند و اتفاقاتی رخ می‌دهد، آنگاه وارد عراق می‌شوند. میلیون‌ها نفر در آن کشور به استقبال حضرت(ع) می‌آیند. هر چند مخالفانی هم در آنجا وجود دارند، ولی اکثریت مردم به یاری امام می‌آیند.

در هنگام حضور امام(ع) در عراق، پرچم‌ها و سپاهیانی از مصر به نزد آن حضرت می‌آیند. این سپاهیان حکومت جائر مصر را سرنگون ساخته، حکومتی حامی امام(ع) تأسیس نموده و برای یاری امام نزد آن حضرت(ع) آمده‌اند. همچنین از جانب ایران نیز سپاه خراسانی که فرماندهی نظامی آن را شعیب بن صالح به دست دارد، با امام مهدی(ع) بیعت می‌کنند و ترکیه نیز چنین است. در نتیجه می‌بینیم در همین مدت کوتاه، عربستان، یمن، عراق، مصر، ایران، ترکیه و کلیه حکومت‌های حاشیه خلیج فارس در اختیار امام زمان(ع) قرار می‌گیرند و جملگی با آن حضرت همراه می‌شوند.

نقطه مقابل، دشمنان حضرتش در سوریه (محل حکومت سفیانی) گرد می‌آیند. پس از آنکه امام(ع) قیام می‌کنند، به شام (سوریه) می‌آیند و به نبرد می‌پردازند. منظور از جنگ شام و جنگ قدس، مصداقاً یکی است؛ یعنی هنگامی که امام در نبرد با سفیانی در سوریه پیروز شدند، وارد قدس می‌شوند و حکومت یهودی (اسرائیل) را سرنگون ساخته، آنجا را در اختیار می‌گیرند.

در این هنگام، غرب با مشاهده انهدام حکومت صهیونیستی در قدس، به حرکت درمی‌آید. در مورد سران رژیم‌های عربی نیز باید گفت که آنها، قبل از تسلیم به امام(ع) حامی حکومت یهودی هستند و نحوه تسلیم شدنشان به امام چنین است که مردم آنها تظاهرات وسیعی در حمایت از امام(ع) انجام می‌دهند و رژیم‌های خود را ساقط می‌کنند و بدین‌وسیله به حمایت و همراهی امام(ع) می‌پردازند.

پس از آنکه غرب به حرکت درآمد و سپاهیانش را به نبرد با امام گسیل داشت، حضرت عیسی مسیح(ع) نزول می‌کند و غربیان از ایشان استقبال می‌کنند. مسیح(ع) به طرح مسئله صلح با امام مهدی(ع) می‌پردازد. و این روایت را همه - شیعه و سنی - از پیامبر خدا(ص) نقل کرده‌اند که: «آخرین صلحی که بین شما و رومیان [غربیان] واقع خواهد شد، به وسیله فرزندم - مهدی(ع) - خواهد بود؛ به مدت ده سال که هفت سال دیگر نیز ادامه خواهد یافت».

یعنی اصل توافق ده ساله است، اما تا هفت سال دیگر نیز ادامه پیدا می‌کند. در این مدت، امام مهدی(ع) حکومت خود را برپا می‌نمایند و عیسی(ع) نیز در میان غربیان به انجام اقداماتش می‌پردازد. و در این مدت هیچ درگیری اتفاق نمی‌افتد. اما بعد از این مدت، نبردی بزرگ بین غرب و امام مهدی(ع) به وقوع می‌پیوندد.

این وقایع، مربوط به بعد از ظهور بود؛ در مدت زمان قبل از ظهور چه سرزمین‌هایی دستخوش آشوب و بحران خواهند بود؟ بنابر روایات ما، قبل از ظهور در عراق حوادث و وقایعی به وقوع می‌پیوندد که متأثر از آن سفیانی بر سوریه مسلط می‌شود و آنجا را تحت سلطه خود درمی‌آورد. از سوی دیگر، در یمن، یکی از یاران امام مهدی(ع) به نام یمانی به قدرت می‌رسد. همچنین از سوی وقایع و بحران‌هایی مانند: جنگ‌ها، زلزله‌ها، بحران مالی و... در مدت زمان محدودی رخ می‌دهد که البته چندان طولانی هم نیست.

آیا اینها در کل جهان رخ می‌دهد یا تنها مناطق مسلمان‌نشین با آنها مواجه می‌شوند؟

اتفاقاً ما روایاتی داریم که به عنوان مثال بیان می‌کند فلان جنگ، جهانی است و در آن دو سوم مردم کشته می‌شوند و محل وقوع آن، از مسلمانان به دور است (مثلاً بین هند و چین) و معصوم(ع) فرموده‌اند: «آیا دوست ندارید که جزء يك سوم باقیمانده باشید؟»

بر اساس مرزبندی‌ها و جغرافی‌های سیاسی کنونی بین کشورها و به طور مشخص هر يك از شخصیت‌های مطرح عصر ظهور، قیام خود را از چه مناطقی آغاز می‌کنند؟ و توصیف آنها در روایات چگونه آمده است؟

توصیف این افراد به تفصیل در روایات بیان شده است. به عنوان مثال، درباره شخصیت یمانی، روایات متعددی وجود دارد، درباره خراسانی، شعیب بن صالح (فرمانده سپاه خراسانی) و سفیانی (در شام) نیز به همین ترتیب مطالب فراوانی نقل شده است.

علاقه‌مندم اگر شما موافق باشید به تناسب موضوع این ویژه‌نامه سرزمین‌های درگیر، وارد گفت‌وگو درباره منطقه شام بشویم؛ با این پرسش که اهل شام در طول تاریخ اسلام، نسبت به اهل بیت(ع) چه موضعی داشته‌اند؟

اهل شام و حکام آن، از سابق، در زمان معاویه دشمن اهل بیت(ع) بودند. البته این وضعیت عمومی آنهاست هرچند که در بین آنها افراد معدودی از شیعیان امیرالمؤمنین(ع) نیز از قدیم الایام وجود داشته‌اند. حتی درون شهر دمشق افراد صالحی از شاگردان ابوذر و تربیت‌یافتگان آنان بودند؛ مانند معاویه ثانی (معاویه بن یزید) که برخلاف اجدادش فردی صالح و جزء نسل سوم شاگردان ابوذر بود؛ استادش (عمر مخصوص) و استاد او ابراهیم نخعی و استاد او ابوذر غفاری بود. پس در شام و حتی

دمشق نیز شیعیانی مخلص و ارادتمند به اهل بیت(ع) وجود داشتند، اما در اقلیت بودند. اوضاع عمومی در شام دشمنی با اهل بیت(ع) بود.

نظر شما درباره روایات فراوانی که در خصوص ستایش شام جعل گردیده چیست؟ باید توجه داشت که حاکم شام، معاویه بوده است. ما مشاهده می‌کنیم که از قبل یهودیان بنی‌قینقاع، بنی قریظه، بنی‌نظیر و خیبر پس از آنکه دست به خیانت و شکستن عهد با پیامبر(ص) زده‌اند از سرزمین‌های اسلامی رانده شده و در شام اجتماع کرده‌اند. معاویه قصد داشت که خلافت را به شام منتقل کند و آنجا را پایتخت جهان اسلام قرار دهد. از این رو، احادیث فراوانی را در ستایش شام و مذمت عراق جعل کرد. خصوصاً پس از جنگ‌ها و درگیری‌های معاویه با امیرالمؤمنین(ع) احادیث مجعوله فراوانی را با این مضمون پراکنده ساخت که شام، زمین محشر است، شام جزء بیت‌المقدس است، ... تا آنجا که حتی در دوران عبدالملک بن مروان، حج را بر گرد بیت‌المقدس (که جایگاه یهودیان بود) انجام دادند. از همین رو، بسیاری از روایات در ستایش شام و در باب مذمت عراق، دروغ و کذب است؛ غیر از روایاتی که از طریق اهل بیت(ع) بیان شده است زیرا ناظر به مصلحت‌ها و نقاط برجسته شام است.

با توجه به بحث ریشه شیعه در شام، برخی نظرشان بر این است که مهاجرت جدی یمنی‌ها به شام نیز در پایه‌گذاری شیعه در شام نقش داشته است؛ لطفاً در این خصوص هم نظرتان را بیان کنید. هجرت نخست یمنی‌ها به شام، در زمان‌های بسیار قدیم و قبل از مسیح(ع) واقع شده و دلیل آن‌هم، تخریب سد سبأ و پراکنده شدن سبئی‌ها در نقاط مختلف، از جمله بلاد شام بوده است. اما هجرت جدید آنان در عصر فتوحات اسلامی است. یمنی‌ها سربازان اسلامی بودند که وظایف تعیین شده مشخصی داشتند و برای آن در شام استقرار پیدا کردند اما این دو ارتباطی با موضوع تشیع در شام پیدا نمی‌کند.

ارتباط ساکنان و حاکمان کنونی شام را با اهل بیت(ع) چگونه می‌بینید؟

کسانی که در حال حاضر بر شام حکومت می‌کنند، قوم علوی‌ها هستند، که يك استثنا در تاریخ حکومت‌های شام به شمار می‌روند؛ زیرا در طول تاریخ اسلامی، همواره بنی‌امیه در شام ستوده می‌شدند. حکام شامی آنقدر نسبت به بنی‌امیه متعصب بودند که اگر ما از لبنان می‌رفتیم و صبح وارد بازار حمیدی می‌شدیم و فروشنده‌ای می‌فهمید که ما شیعه هستیم، می‌گفت: از من نخر، روز مرا خراب و بدیمن نکن(!) برو و چند ساعت دیگر بیا. آنها بغض عجیبی نسبت به اهل بیت(ع) و شیعیان‌شان داشتند. این مسئله بسیار شدید بود تا آنجا که اکثریت شیعیان را رافضی می‌دانستند. الآن وضعیت تغییر پیدا کرده زیرا حاکمیت آنها در اختیار علوی‌ها و بعضاً علمانی‌ها (لائیک) قرار دارد. علوی‌ها می‌گویند ما شیعه هستیم و ما هم از آنها می‌پذیریم. اما این علوی‌ها فقط 2 تا 3 میلیون از جمعیت حدوداً 20 میلیونی سوریه را تشکیل می‌دهند. شیعیان سوریه جمعیتی بالغ بر 200 تا 300 هزار را به خود اختصاص می‌دهند. لذا بیش از نیمی از جمعیت آنجا را سنیان متعصب ضد شیعه و دوستدار بنی‌امیه تشکیل می‌دهند، اما در حال حاضر نمی‌توانند خواست خود را به انجام برسانند. لذا هنگامی که سفیانی شورش خود را آغاز می‌کند، زمینه حمایت از او و اقداماتش در سوریه وجود دارد.

وضعیت کنونی دیگر نقاط شام - غیر از سوریه - مانند: اردن و فلسطین را نسبت به اهل بیت(ع) چگونه می‌بینید؟

در گذشته‌ها، وضعیت این دو کشور نیز مانند سوریه بود، اما در حال حاضر درباره فلسطین این دیدگاه تغییر کرده است و فلسطینیان اکثراً به جهاد با دولت یهودی برخاسته‌اند، از امام حسین(ع) بسیار یاد می‌کنند و تعداد قابل توجهی از آنان رسماً مذهب شیعه را پذیرفته‌اند. اهل اردن نیز دو دسته هستند؛ گروهی اردنی که نسبتاً نرم‌خویند اما گروه دیگر که بسیار خشک و متعصب و ضد اهل بیت(ع) اند حتی سرسخت‌تر از وهابیان «مصعب زرقاوی» - از رهبران فرقه ضد شیعی القاعده - از اینها بود و او را «کشته امت» می‌خوانند. او شیعیان را ذبح می‌کرد و آنها نیز او را بزرگ می‌دارند. به همین دلیل، اردن سرانجام همراه سوریه تحت امر سفیانی درمی‌آید.

آیا ما می‌توانیم کشتارهای کنونی شیعیان را در نهایت زمینه‌ساز شورش سفیانی بدانیم؟

طبیعتاً همین‌طور است. وقتی که یمن از دست آنها خارج شود و نظام سعودی فرو پاشد، وهابیان و ناصبی‌های عربستان با یهود و غربی‌ها متحد می‌شوند و نظام سوریه را تحت فشار قرار می‌دهند و از طریق این فشار بیرونی و وقایع داخلی، زمینه برای سلطه سفیانی فراهم می‌گردد. حوادث شام متسلسل و پی‌درپی خواهد بود؛ ابتدا زلزله، سپس شکل‌گیری شورش و کودتا، سپس حرکت و شورش سفیانی و مسلط شدن وی بر اوضاع.

چه عواملی موجب می‌شود که سفیانی به راحتی بر شام مسلط شود؟

روایات ما بیان می‌کنند که در آغاز، زلزله‌ای در شام رخ می‌دهد که در آن یکصد هزار نفر از بین می‌روند. بعد از مدت کوتاهی، حکومت در اختیار اصب (شخص بور) قرار می‌گیرد. اصب از نام‌های شیر (اسد) نیز می‌باشد. آنگاه شخصی به نام «ابقع» بر ضد او شورش می‌کند. این، زمینه انقلاب علیه اصب را فراهم می‌آورد. درگیری مدتی بین آن دو به طول می‌انجامد. بعد از مدتی سفیانی شورش می‌کند و هر دو را از میان برمی‌دارد و خود بر سرزمین شام تسلط می‌یابد.

هدف سفیانی از این شورش و درگیری چیست؟

هدف سفیانی، مقابله با امام مهدی(ع) و شیعیان اوست.

آیا نمی‌توان گفت هدف او صرفاً کشورگشایی و قدرت‌طلبی است؟

خیر، سفیانی با روم (غربیان) و یهود (اسرائیل) هم‌پیمان است. او نقشه‌ای دارد و هدف اصلی‌اش تسلط بر عراق است که لازم است ابتدا بر شام (سوریه و اردن) سلطه پیدا کند. و ناآرامی‌های عربستان باعث می‌شود که هم‌فکرانش از او برای

عربستان درخواست نیرو کنند. و او لشکری را به «مدینه» می‌فرستد. پس او یکی از فرمانروایان عربی است که با اسرائیل و غرب متحد است. سفیانی فقط دو لشکر اعزام می‌کند، یکی به عراق و دیگری به مدینه. همچنین او حمله‌ای بزرگ به مرز مشترک عراق، سوریه و ترکیه (منطقه قرقیسیا) می‌کند که دلیل آن دستیابی به منابع طبیعی (معدن نفت، طلا یا ...) با انگیزه اقتصادی است.

نسبت اهل شام، بعد از ظهور، با امام عصر(ع) چگونه است؟

فردی از امام صادق(ع) می‌پرسد: وقتی سفیانی آشکار شد، چه کنیم؟ امام(ع) فرمودند: «هنگامی که این فاسق آشکار شد، دو ماه به کشتار شیعیان می‌پردازد. پس اگر آن زمان را درک کردید، باید که مردانتان چهره هایشان را بپوشانند و زنان مشکلی نخواهند داشت». در روایات ما، خداوند، طایفه‌هایی از اهل شام را از پیروی سفیانی مصون داشته است که آن طوایف به شیعیان لبنان، سوریه و شاید غزه - اگر به امامت و ولایت اهل بیت(ع) پیوندند - تعبیر شود.

سرانجام چگونه پرونده سفیانی بسته می‌شود؛ در حالی که از قدرت بالایی برخوردار است؟

سفیانی فقط بر سوریه و اردن حکمرانی خواهد کرد و تنها 2 لشکر برای حفظ امنیت به عراق و مدینه گسیل می‌دارد. (مانند اینکه اتحادیه عربی نیروهایی را برای برقراری امنیت به کشوری بفرستد) اما سپاهی را که به جنگ با امام مهدی(ع) به مدینه می‌فرستد، در سرزمین بیداء به واسطه خسف الهی، در زمین فرو می‌رود. پس از آن خود سفیانی در جنگ با امام مهدی(ع) به درک واصل می‌شود.

از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم.

گفت‌وگو از محمود مطهری‌نیا

مترجم: ابوذر یاسری

ماهنامه موعود شماره 98

پی‌نوشت:

1. سورة روم (30)، آیه 40.

شیخ علی کورانی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ علی کورانی محقق و نویسنده